

بررسی تأثیر آموزش به بیماران تحت درمان با همودیالیز بر کاهش عوارض آن

حمیدرضا بهناموشنی^{*} - عباس حیدری^{*}

این پژوهش، یک مطالعه نیمه تجربی است که هدف آن، تعیین میزان تأثیر آموزش به بیماران تحت درمان با همودیالیز بر کاهش عوارض و مشکلات ناشی از نارسایی کلیه در بین دو جلسه همودیالیز می باشد. بدین منظور، نمونه ای شامل ۳۰ بیمار مبتلا به نارسایی مزمن کلیه تحت درمان با همودیالیز در بیمارستان حشمیه شهرستان سبزوار مورد آزمایش قرار گرفتند. وزن پایه افراد مطالعه ۴۶/۲ کیلوگرم می باشد. جهت رسیدن به اهداف، ابتدا وزن پایه بیماران تعیین و سپس طی سه جلسه متوالی و قبل از انجام همودیالیز معیارهای مورد نظر اندازه گیری می شد. سپس برنامه آموزشی اجرا و بعد از آن طی سه جلسه متوالی مجدداً معیارهای مذکور اندازه گیری و با اندازه های قبل از آموزش مقایسه می شد. آزمون Δ زوج به منظور تجزیه و تحلیل یافته ها مورد استفاده قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان داد که وزن، ادم و تنگی نفس بیماران در مرحله بعد از آموزش بطور قابل توجهی کاهش پیدا نموده است ولی فشارخون و برخی دیگر عوارض نارسایی کلیه مثل خارش پوست تغییر چندانی نداشته است. یافته ها همچنین همبستگی معنی داری را بین متغیر سطح تحصیلات و تغییر وزن و همچنین بین متغیر سن و کاهش تنگی نفس نشان دادند. بطور کلی، این مطالعه استفاده از آموزش به مددجو را به عنوان یک روش مؤثر در ارتقاء سطح مراقبت از خود بیماران توصیه می نماید.

واژه های کلیدی: آموزش، همودیالیز، نارسایی کلیه، عوارض.

مقدمه

آموزش به بیمار مسئولیت سنگینی است که اعضاء تیم پزشکی بایستی آن را مدنظر داشته باشند. از لحاظ تعریف، کمپ و رچاردسون معتقدند؛ آموزش به بیمار عبارتست از تعلیم بیمار بر اساس نیازهای فردی اش، در یک موقعیت خاص بیماری است، بطوریکه باعث ایجاد تغییرات مطلوب رفتاری در او می گردد.

آموزش می تواند به بیمار در سازگاری خود با درمان و در حل مشکلاتی که با آنها روبروست؛ کمک نماید و آنها را از چگونگی مراقبت از خود آگاه سازد. دو گام معتقد است؛ آموزش به بیمار یکی از حقوق اساسی بیماران بوده و در این زمینه می افراشد؛ این حق بیمار است که در زمینه تشخیص بیماری، برنامه معالجه خود، عمل جراحی، مزایا، اثرات و زیانهای آن

* فوق لیسانس آموزش پرستاری، گرایش کودکان - عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار

• فوق لیسانس آموزش بهداشت - عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار

اطلاع کسب کند(۱). از طرفی واقفیم که در بین هشت رکن اساسی که در تعریف مراقبتهاي بهداشتی اوئلیه (P.H.C) آمده است؛ آگاهی و آموزش دارای مقام اوئل است و همچنین مطالعات انجام شده در مورد آموزش به مددجو، پیوسته مفید بودن آن را به جهت کاهش شکایات بعد از عمل، کوتاه کردن مدت بستری شدن، افزایش رضایت بیمار و برگشت سریع به کار به اثبات رسانیده است(۶).

آموزش به مددجو، در حقیقت یکی از اجزای ضروری مراقبتهاي پرستاری است که در جهت حفظ، ارتقاء و باز گرداندن سلامتی و سازگاری با اثرات باقیمانده بیماری عمل می کند.

بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه که جهت ادامه زندگی نیاز به درمان حمایتی و مداوم توسعه دیالیز دارند؛ از جمله بیمارانی هستند که آموزش به آنها نقش به سزاپی را در ارتقاء کیفیت زندگی و سازگاری با مشکلات ناشی از بیماری دارد. بسیاری از این بیماران در اثر عدم آگاهی از بیماری خود و نحوه برخورد با آن بطور مداوم و خصوصاً در بین دو جلسه همودیالیز دچار مشکلات متعددی نظیر افزایش بیش از حد وزن، فشارخون، ادم و علائم عمومی ناشی از نارسایی کلیه می گردند.

از آنجا که در این بیماران مراقبت از خود، نقش اساسی را در کاهش مشکلات ناشی از نارسایی کلیه دارد؛ لذا به نظر می رسد اگر میزان آگاهی آنها از نحوه مراقبت و برخورد با بیماریشان افزایش یابد؛ کاهش چشمگیری در عوارض مربوط به بیماری که بین دو جلسه دیالیز شدید می یابد، بوجود آید.

**آموزش به بیمار یکی از حقوق اساسی بیماران بوده و
این حق بیمار است که در زمینه تشخیص بیماری، برنامه
معالجه خود اطلاع کسب کند.**

این پژوهش، در نظر دارد تأثیر آموزش به مددجویان تحت درمان با همودیالیز را بر میزان کاهش علائمی که در بین دو جلسه همودیالیز برای بیماری بوجود می آید؛ مورد آزمایش قرار دهد. در این راستا دو فرضیه کلی مورد آزمایش قرار می گیرند.

۱ - آموزش به مددجویان تحت درمان با همودیالیز باعث کاهش عوارض ناشی از نارسایی کلیه بین دو جلسه دیالیز می گردد.

۲ - عواملی نظیر سن، جنس، تحصیلات، شهرنشینی و وضعیت تأهل در میزان کاهش عوارض نارسایی کلیه ناشی از آموزش تأثیر دارد.

پژوهشی در سال ۱۹۹۴ (مصادف با ۱۳۷۳ هـ) توسط کورنیوایس و برین ، تأثیر برنامه های حمایتی و آموزشی بر روی تطبیق روانی، اجتماعی و جسمی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه را که تحت درمان با همودیالیز بودند؛ مورد ارزشیابی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که پرستاران می توانند از طریق تدارک برنامه های حمایتی و آموزشی مناسب، تأثیر مثبتی در یادگیری بیماران را در امر مراقبت از خود درگیر نمایند(۵).

پژوهشی در سال ۱۹۸۶ (مصادف با ۱۳۶۵ هـ) نیز توسط هاتاوی بصورت یک متانالیز انجام شد که تأثیر آموزش قبل از عمل را بر روی نتایج بعد از عمل مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش میزان متوسط اثر در رابطه با نتایج بعد از عمل را ۰/۴۴ نشان داد که این میزان نشان دهنده این است که بطور متوسط بیمارانی که آموزش های قبل از عمل را دریافت

کرده بودند نتایج مطلوبتری را بعد از عمل کسب کردند(۴). از آنجایی که آموزش به مددجو بایستی بر اساس نیاز آنان صورت گیرد لذا درک پرستاران و کارکنان یا ارگان (Team) بهداشتی از نگرش و نیاز بیماران نقش اساسی را در میزان تأثیر آموزش ایفا می‌کند. به همین منظور پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته است و میزان سازگاری بین درک و نگرش بیماران و پرستاران را مورد بررسی قرار داده است. بطور مثال، پژوهشی توسعه گرگور و تیس در کانادا نگرش بیماران و پرستاران از آموزش به مددجو را مورد مقایسه قرار داد. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۷۲ پرستار و بیمار انتخاب و پرسشنامه مورد نظر توسعه آنان تکمیل گردید. بطور کلی، نتایج پژوهش عدم سازگاری مشخصی را بین نگرش پرستاران و بیماران نشان داد(۳).

نتایج پژوهش‌های فو نشان می‌دهد اگر چه آموزش به مددجو دارای تأثیر مثبتی است و موجب کاهش چشمگیری در مشکلات بیماران می‌گردد؛ اما بایستی این آموزش منطبق بر نیاز مددجویان بوده و نگرش آنان در مورد آموزش مد نظر قرار گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش، یک طرح نیمه‌تجربی است که در بخش همودیالیز بیمارستان شهرستان سبزوار انجام گردیده است. بدین منظور، نمونه‌ای شامل ۳۰ بیمار تحت درمان با همودیالیز بیمارستان شهرستان سبزوار انجام گردیده است. بدین روش کار بدین صورت بود که ابتدا وزن پایه بیماران تعیین گردید و سپس طی سه جلسه مکرر و قبل از انجام همودیالیز معیارهای مورد نظر اندازه‌گیری می‌شد. سپس برنامه آموزشی به صورت آموزش فردی برای هر یک از بیماران طرح و اجرا می‌گردید و بعد از آموزش، طی سه جلسه متوالی مجددًا معیارهای مذکور اندازه‌گیری و در فرم گردآوری اطلاعات ثبت می‌گردید. بعد از کدبندی اطلاعات و استفاده از آمار توصیفی به منظور توصیف اطلاعات اوئیه، از آزمون α مزدوج برای مقایسه میانگینها (قبل و بعد از آموزش) استفاده شد. همچنین فرمول ضریب همبستگی برای تعیین ارتباط بین عوامل مورد بحث با میزان تأثیر آموزش مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

داده‌های پژوهش نشان داد که $38/9$ درصد نمونه‌ها مذکور و $61/1$ درصد مؤنث می‌باشند. میانگین سن افراد مورد مطالعه $39/6$ سال بوده است. $44/4$ درصد ساکن روستا و $55/6$ درصد ساکن شهر هستند. $16/7$ درصد مجرد و $83/3$ درصد متاهل می‌باشند. $44/4$ درصد بی‌سواد می‌باشند و سطح تحصیلات بقیه نمونه‌ها ابتدایی و راهنمایی بود. میانگین وزن پایه افراد مورد مطالعه $46/2$ کیلو گرم بوده است.

جدول ۱: ارزیابی معیارهای مورد بررسی در بیماران تحت درمان با دیالیز در مراحل قبل و بعد از آموزش

متغیرهای وابسته	زمان ارزیابی	بعد از آموزش		قبل از آموزش	
		میانگین	انحراف نعیار	میانگین	انحراف معیار
P	T				

جدول ۲: همبستگی متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته

سن	مدت زمان ابتلا	سطح تحصیلات	متغیرهای مستقل	
			متغیرهای وابسته	
$r = -0.19$ $P > 0.7$	$r = -0.11$ $P < 0.8$	$r = -0.78$ $P < 0.05$	کاهش وزن	
$r = -0.82$ $P < 0.1$	$r = -0.21$ $P > 0.5$	$r = -0.32$ $P > 0.4$		کاهش تنفس
$r = -0.14$ $P > 0.8$	$r = -0.24$ $P > 0.4$	$r = -0.18$ $P > 0.8$	کاهش ادم	

آزمون t مزدوج نشان داد که وزن، ادم و تنفس بیماران در مرحله بعد از آموزش بطور قابل توجهی کاهش پیدا نموده است، ولی فشارخون و برخی دیگر از عوارض نارسایی کلیه مثل خارش پوست تغییر چندانی نداشته است (جدول ۱). در ارتباط با فرضیه دوم؛ آزمون ضریب همبستگی نشان داد که از بین عوامل مورد بررسی، فقط بین متغیر سطح تحصیلات و تغییر وزن و همچنین بین متغیر سن و کاهش تنفس همبستگی قابل توجهی وجود دارد (جدول ۲). متغیرهای جنس، محل سکونت و تأهله نیز ارتباط معنی داری با متغیرهای وابسته پژوهش نداشتند (جدول ۳).

جدول ۳: میانگین تفاوت‌های وزن بیماران (تأثیرآموزش) به تفکیک جنس، محل سکونت و تأهله

P	T	انحراف معیار	میانگین تفاوت‌ها	متغیرهای مستقل	
-0.2	1/67	-0.45	-0.64	زن	جنس
		-0.76	1/43	مرد	
-0.3	1/45	-0.77	1/58	مجرد	تأهله
		1/53	-0.84	متاهله	
-0.5	0/94	-0.62	1/98	شهر	محل سکونت
		-0.85	1/34	روستا	

بحث

همانطور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ پرستاران و اعضاء تیم بهداشتی با رعایت اصول آموزش به بیمار می‌توانند نقش مؤثّری را در کاهش مشکلات بیماران ایفا نمایند. ملاحظه می‌گردد، که بسیاری از بیماران بعد از آموزش، به جهت رعایت برنامه مراقبت از خود تا اندازه‌ای بر بعضی از مشکلات شان نظیر افزایش وزن، تنفس و ادم فائق آمده و ناراحتی کمتری را نسبت به جلسات قبل تجربه نمودند این امر نشان دهنده تأثیر مثبت آموزش به مددجو است.

اگر چه یافته‌های این پژوهش، تأثیر مثبت آموزش را در مواردی نظیر کاهش فشارخون و خارش پوست معنی دار نشان نمی‌دهد (جدول ۱)، ولی در مجموع تا اندازه‌ای یافته‌های پژوهش‌های قبلی نظیر پژوهش کورنیوایس و برین و همچنین پژوهش هاتاوی را مورد تأیید قرار می‌دهد (۴ و ۵). به نظر می‌رسد بدلیل وجود مکانیسم‌های درونی تنظیم‌کننده فشارخون، خصوصاً مکانیسم‌های طولانی اثر، آموزش به مددجو تأثیر فوری در کاهش فشارخون نداشته باشد.

**ادم و تنگی نفس بیماران در مرحله بعد از
آموزش بطور قابل توجهی کاهش پیدا
نموده است.**

در رابطه با خارش پوست نیز مکانیسم مشابهی را می‌توان عامل عدم تأثیر آموزش دانست بدین صورت که با توجه به اینکه عامل اصلی در بروز خارش پوست افزایش فسفر سرم و رسوب آن در پوست می‌باشد، لذا رفع این عامل نیز به زمان زیادی نیاز دارد و دلیل دیگر آن را می‌توان در این دانست که رعایت کاهش مصرف غذای حاوی فسفر نسبتاً کار مشکلی خصوصاً برای بیمارانی است که از لحاظ تحصیلات در رده‌های بسیار پایین قرار دارند.

در رابطه با فرضیه دوم پژوهش که ارتباط بین عواملی نظیر سن، سطح تحصیلات، جنس، تأهل و محل سکونت را با میزان تأثیر آموزش مورد بررسی قرار می‌دهد؛ یافته‌ها نشان دادند که فقط بین متغیر سطح تحصیلات و کاهش وزن و همچنین بین سن و کاهش تنگی نفس همبستگی معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که بیماران دارای تحصیلات بیشتر موفقیت بهتری را در کنترل وزن خود پس از آموزش کسب کردند. این مسئله با توجه به نقش سعادت موفقیت بهتر فرد در ابعاد مختلف زندگی امری قابل انتظار و بدیهی است.

در رابطه با تنگی نفس، یافته‌ها نشان داد که افراد مسن‌تر موفقیت‌کمتری را در جهت رفع مشکلشان بدست آورده‌اند. در این رابطه احتمالاً عوامل دیگری به غیر از مشکل کلیوی می‌تواند نقش داشته باشد. شیوع بیشتر بیماریهای ریوی در سنین بالاتر، تغییرات فیزیکی و عملکردی سیستم تنفس، عدم وجود انگیزه قوی و فعالیت جسمانی کمتر را می‌توان از علل عمده تنگی نفس در آنان دانست.

یکی از محدودیتهای اصلی این پژوهش، تعداد کم واحدهای پژوهش بود که این مسئله نیز می‌تواند به نوبه خود تأثیراتی را در یافته‌های این پژوهش داشته باشد و پژوهشگران جهت تأیید یافته‌های فر، انجام پژوهش‌های دیگری نظیر این پژوهش را با تعداد نمونه بیشتر توصیه می‌کنند.

بهر حال، علی‌رغم اینکه آموزش به بیمار یکی از ابعاد اساسی و مهم حرفه‌ای هر پرستار است و امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته بر روی آن تأکید زیادی شده است ولی در مجموع هنوز نتایج مطلوبی در این زمینه کسب نشده است؛ چرا که اولاً در برخی از کشورهای جهان سوم، پرستاران با اهمیت این بُعد از نقش خود آشنا نیستند و آن را جزء برنامه کاری خود نمی‌دانند و ثانیاً در کشورهای پیشرفته که اهمیت این بُعد از جانب پرستاران شناخته شده است، موانع متعارضی از قبیل نگرشاهی منفی بیماران، محدودیت زمانی، آگاه نبودن از نیازهای بیماران، فقدان حمایت پزشکان و نهایتاً عدم اطمینان پرستاران به نقش آموزشی خویش و ... باعث عدم موفقیت کامل این مهم گردیده است. در مورد رفع موانع فو و پیشرفت این بُعد از نقش پرستار به نظر می‌رسد موارد زیر راهگشا باشند:

اول اینکه برنامه‌هایی تدارک دیده شوند که پرستاران را به نقش مهم آنها در آموزش به بیمار آگاه سازد؛

دوم اینکه، از طریق رسانه‌های گروهی مثل رادیو و تلویزیون مردم را با توانایی‌ها و وظایف حرفه‌ای و آموزشی پرستاران

آگاه ساخته تا نگرش منفی بیماران در این مورد از بین برود؛

سوم، برنامه آموزش به بیمار مثل هر مراقبت دیگر جزء برنامه کاری پرستار در هر شیفت گنجانیده شود و پرستنی در این خصوص در نظر گرفته شوند؛

چهارم، برنامه مراقبتی بیمار بطور سیستماتیک از طریق فرآیند پرستاری یا گزارشات مشکل مدارانه طرح ریزی شود تا نیازهای آموزشی بیمار جهت آموزش مشخص شود؛
نهایتاً اینکه برنامه‌هایی برای پزشکان و سایر اعضاء تیم بهداشتی گذاشته شود تا آنها به نقش واقعی پرستار و اهمیت آن آگاه کردنند. به امید روزی که نقش واقعی پرستار در جامعه شناخته شده و آموزش به بیمار بتواند جایگزین بسیاری از داروهایی گردد که امروزه بطور بی‌رویه و وحشتناک مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

Abstract

Survey On Impact Of Instruction To The Patients Under Treatment With Hemodialysis Upon Reduction Of Complication Resulting From Renal Failure

This research is a semi-experimental study the purpose of which is to determine the rate of impact of instruction to the patients under treatment with hemodialysis upon reduction of complication and problems resulting from inefficiency of the kidney between two session of dialysis. To this purpose , sample consisting of 30 patients suffering from chronic renal deficiency being treated with hemodialysis in the hospital of the city of Sabzevar was investigated. The basic weight of the people under study was 46.2 Kgs.In order to reach the goals , first the base weight of the patients was determined. Then, during three consecutive sessions, and prior to the performance of hemodialysis , the given criteria were measured. then, the instructional program was performed ; afterwards, within three consecutive sessions, the afore-mentioned criteria were again measured. A comparison was made with the measurements before instruction. The pairedt t-test was employed for the findings of the research showed that the weight, asthma and the asphyxia of the patients have shown a considerable reduction within Post-instructional stage, but that hypertension and some other complications arising from kidney unsufficiency such as the itching of the skin have not displayed so apparent results. The findings also displayed a significant correlation between variables of level of education and weight alterations as well as between variable of age and reduction of asphyxia.

Key words : *Instruction , Hemodialysis , Complication , Renal failure .*

منابع

- 1 - دوگاس ، برلی و یتر . اصول مراقبت از بیمار . نگرش جامع بر پرستاری . ترجمه گروه مترجمین وزارت بهداشت . تهران : انتشارات معاونت پژوهشی وزارت بهداشت . ۱۳۷۱ .
2. Devine , L . etal . Clinical and financial effect of Psychoeducational care provided by Staff Nurses to Adult surgical patient. Am. J public Health . Vol 78 , No 10. 1988 . pp. 123 -6.
3. Gregor , frances M . , ganice , they . and thissen , Victor . the nurses Role iN patient Education: incongruent perceptions Among Nurses and patient journal of Advanced Nursing . Vol 12 . 1987. pp 291 - 301.
4. Hathaway Dovva . effect of preoperative instruction post operative outcomes : A meta - Analysis. Nursing research . vol 35 . no 5 . 1986 . pp 269-274 .
5. korniewicz & Beien . Evaluation of a Hemodialysis patient Education and support program . ANNA- journal . 21 (1) , 1994 . pp 33 - 8.
6. Yount , Sue . Schoessler Mary . A description and Nurse Perceptions of Preoperative Teaching Journal of Post Anesthesia nursing . Vol 6 . No 1 . 1991 . pp 17 - 25.

